

۳

آی قصه، قصه، قصه

«از افسانه های تمثیلی ایران»

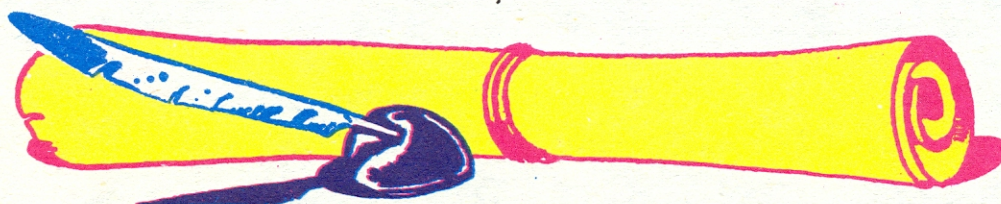


به نام خدا

آی قصه، قصه، قصه فندوق و بادام و پسته

«از افسانه‌های تمثیلی ایران»

جهان سپیدار	:	* شعر
هادی ابراهیم‌زاده	:	* نقاشی
زرّین	:	* فیلم
هادی	:	* چاپ
سپیده	:	* ناشر
سیزدهم	:	* نوبت چاپ
۵۰۰۰۰	:	* تیراژ
۱۳۷۳	:	* تاریخ انتشار



آی قصه، قصه، قصه

غیر از خدا هیچکس نبود.
میون جنگل دور
قصه های بچه ها
با دل و جانش به هوش
خوب گوش ندم همیشه
به هوش باشید سراپا

يك ميش بود و يك بره
کوهه عقب، دره پیش
همیشه بود سر حال
روی بلندی می پرید
از مادرش می پرسید:
مامان مامان اون چیه؟
با حیوانها به بازی
چیه انگور بودش

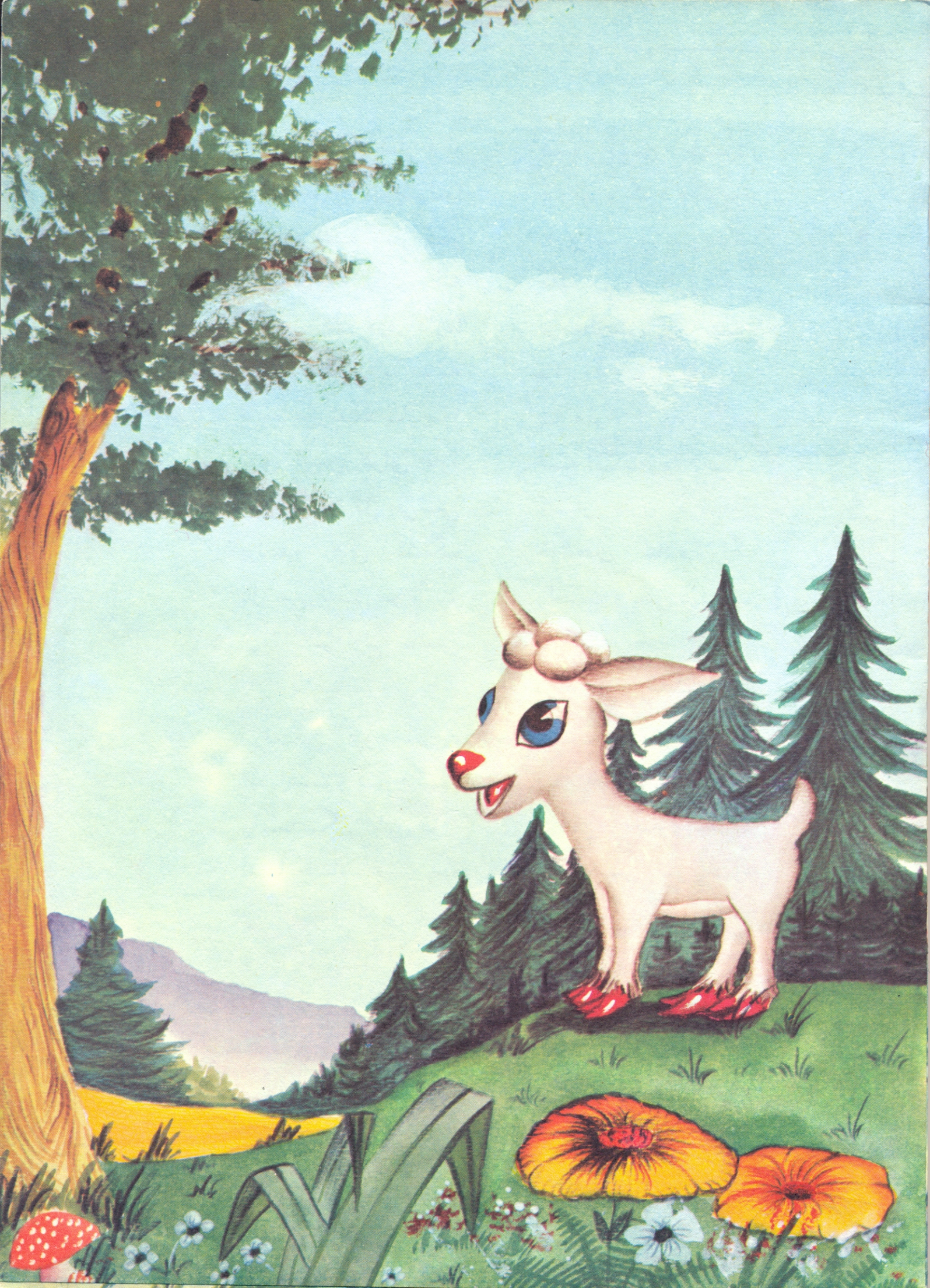
یکی بود یکی نبود
یه میش چاق و پر زور
قصه می گفت چه زیبا
بره، سراپا به گوش
که قصه میگه میشه
حالا شما بچه ها

يك كوه بود و يك دره
برهه بچه میش
برهه شاد و خوشحال
این ور و اون ور می دوید
هر چیزی را که می دید
مامان مامان این چیه؟
بره ناز نازی
شنگول و منگول بودش



اوا اوا صدا می‌یاد
صدا از اون دور دوراست
مال کیه این صدا؟
همون گرگ حیل‌گر
منتظر و گیج و منگ
که بگیره بره را
با دندون تند و تیز
بگه که من سیر شدم

از توی درّه‌ها میاد
چقدر صدا بد نواست^(۱)
مال گرگ بد آدا
پُر خور و پُر درد سر
قایم شده، پشت سنگ
کوچک يك ذره را
بکنه اون را ریز ریز
قوی چو يك شیر شدم



کلاغه میگه قار قار
ای برّه کوچولو!
سفره قلم کار کار
من می‌روم بازی کنم
گردش چه مزه داره!
سلام، سلام آقا موشه
قایم موشك بازیه؟
توی این هوای تازه
این همه گل می‌بینی
پرنده های قشنگ
بال می‌زنند پرو پرو
حیفه تو لونه باشی
یالا پاشو زود بخند
موش، زرنگی تو آفرین
اما هنوز کوچکی
راست میگی شادی خوبه
اما حالا غروبه
هوا شده کمی سرد

همه بشن خبردار
خوب و گرد و توپولو
داری میری سر کار؟
گلها رو ناز نازی کنم
تو فصلی که بهاره
چرا رفتی به اون گوشه؟
یا موشه ناراضیه؟
که آسمانش تازه
کنار شون می‌بینی
خوشحال و شاد و زرنگ
راحت و بی درد سر
یا کنج خونه باشی
در را رو غصّه ببند
قشنگی تو آفرین
بی خبر و کودکی
گردش و بازی خوبه
برگشتن تو خوبه
دیر نشده زود برگرد



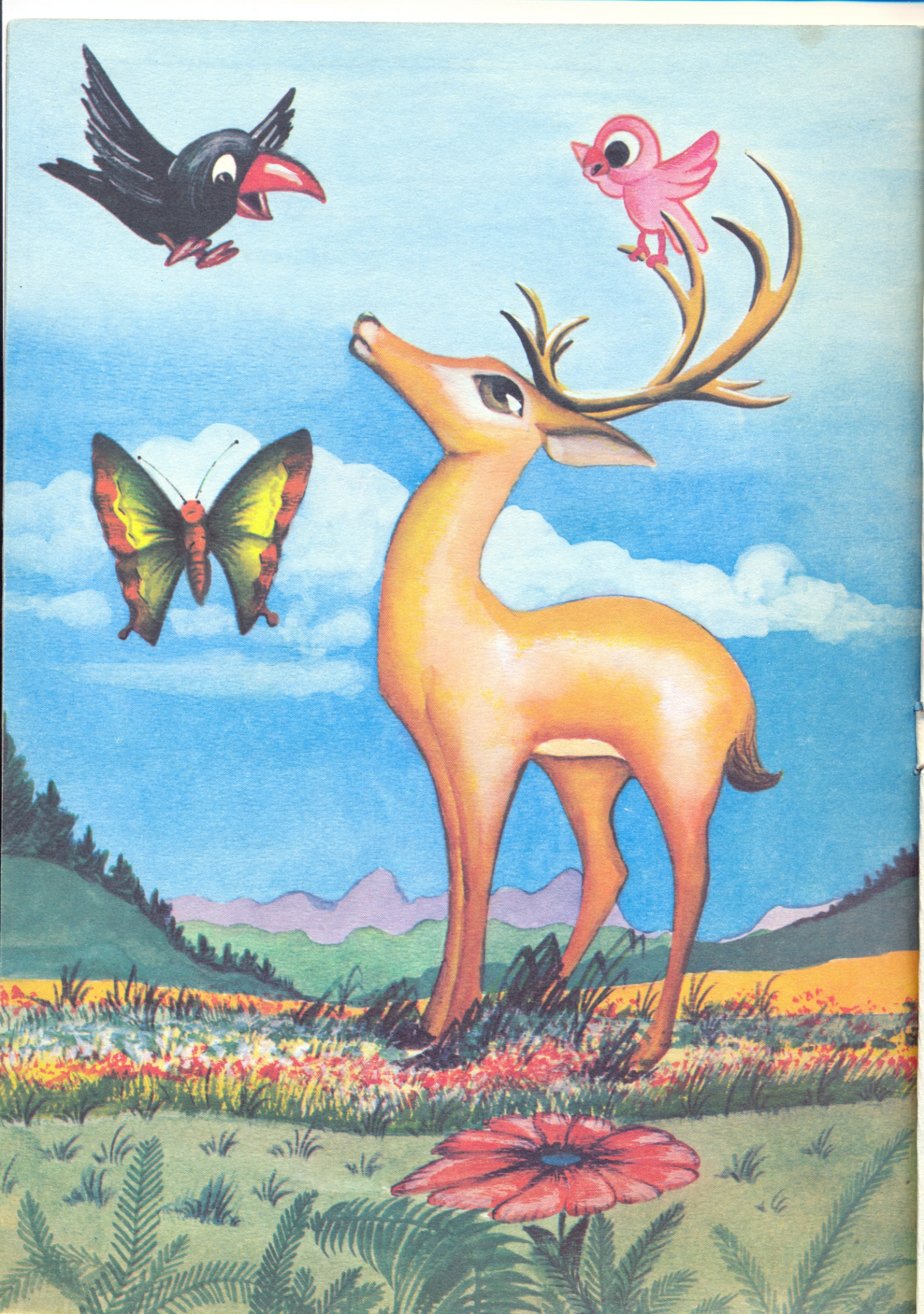
گرگ: صدای برّه میآد
جدا از مادر شده
برم سراغ برّه
به و به و به چه برّه‌ای!
چه دُم نازی داری
اینجا خیلی قشنگه
دیدنی هاش زیاده
بریم با هم بگردیم
بره: آهای، آهای، آی گرگه،
بگو چه خوابی دیدی؟
تو که نداری رحمی
هستی حالا مهربان
گرگ: فکرت درسته جونم
اما حالا تنهائی
داد بزن بگو مادر
تو از مادر دور شدی
هیچکسی این جاها نیست
می‌برمت به خونه
دور از چشم دیگران
که من بخورمت زود
بیا جلوناز نازی

از توی درّه میآد
بی کس و یاور شده
نکنه که يك وقت در ره
چه برّه يك ذره‌ای!
گوش درازی داری
خیلی رنگ و وارنگه
اون ور کوه آباده
بگیم شادی آوردیم
گرگ زبان بزرگه
نقشه برام کشیدی؟
من رو می‌کنی زخمی
آلکی شاد و خندان
چربه خیلی زبونم
لقمه چرب مائی
اما کجاست يك یاور؟
خسته و بی‌زور شدی
کس با خبر ز ما نیست
برّه یکی یکدونه
اصلاً نیستم نگران
بدون پختن و دود
نیست دیگه وقت بازی



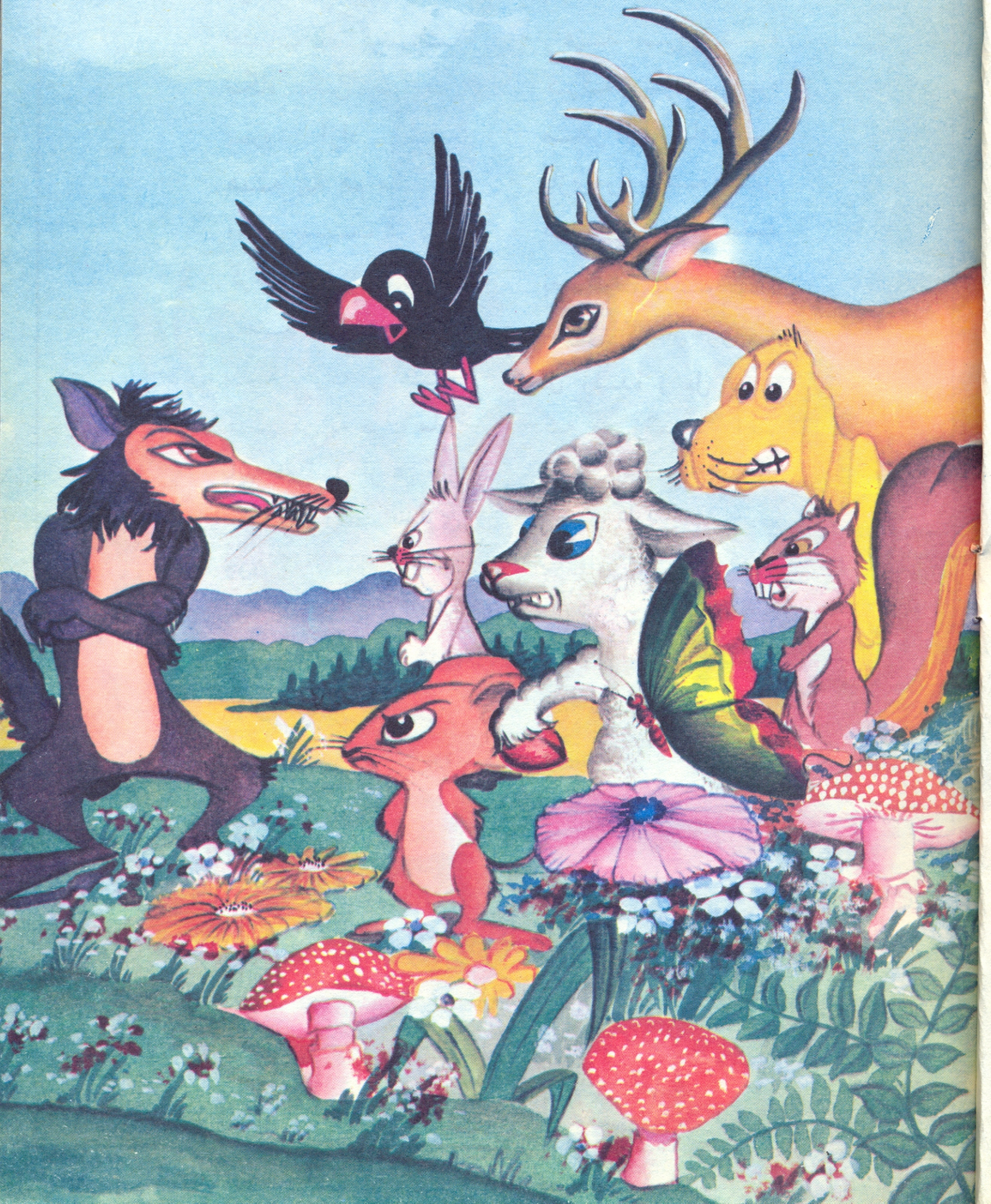
کلاغ پیغام رسان
به دنبال گوزن گشت
تا که گوزنه را دید
با چشم گریان و زار
ای گوزن شاخ بلند
گرگه اومد و بردش
کلاغ پیغام رسان
به هر جایی سر کشید
خبر خبر ای دوستان
گرگه بره را بردش
همه بخود می گفتند
بهر نجات بره
از اونجا راه می افیم
همه با هم یکی شیم
همه دوستان به پیش

غمگین و قارقار کنان
میون صحرا و دشت
جلوی گوزنه پرید
گفت ای قار و قار و قار
بره شد اسیر بند
بدو بریم که خوردش
به تندی پرواز کنان
هر کسی را تونست دید
ای دوستان مهربان
بریم بریم که خوردش
گرگ را کشیم ما به بند
جمع بشیم تو دره
با هم، بی ترس و بیم
به جنگ گرگه بریم
همه به دنبال میش



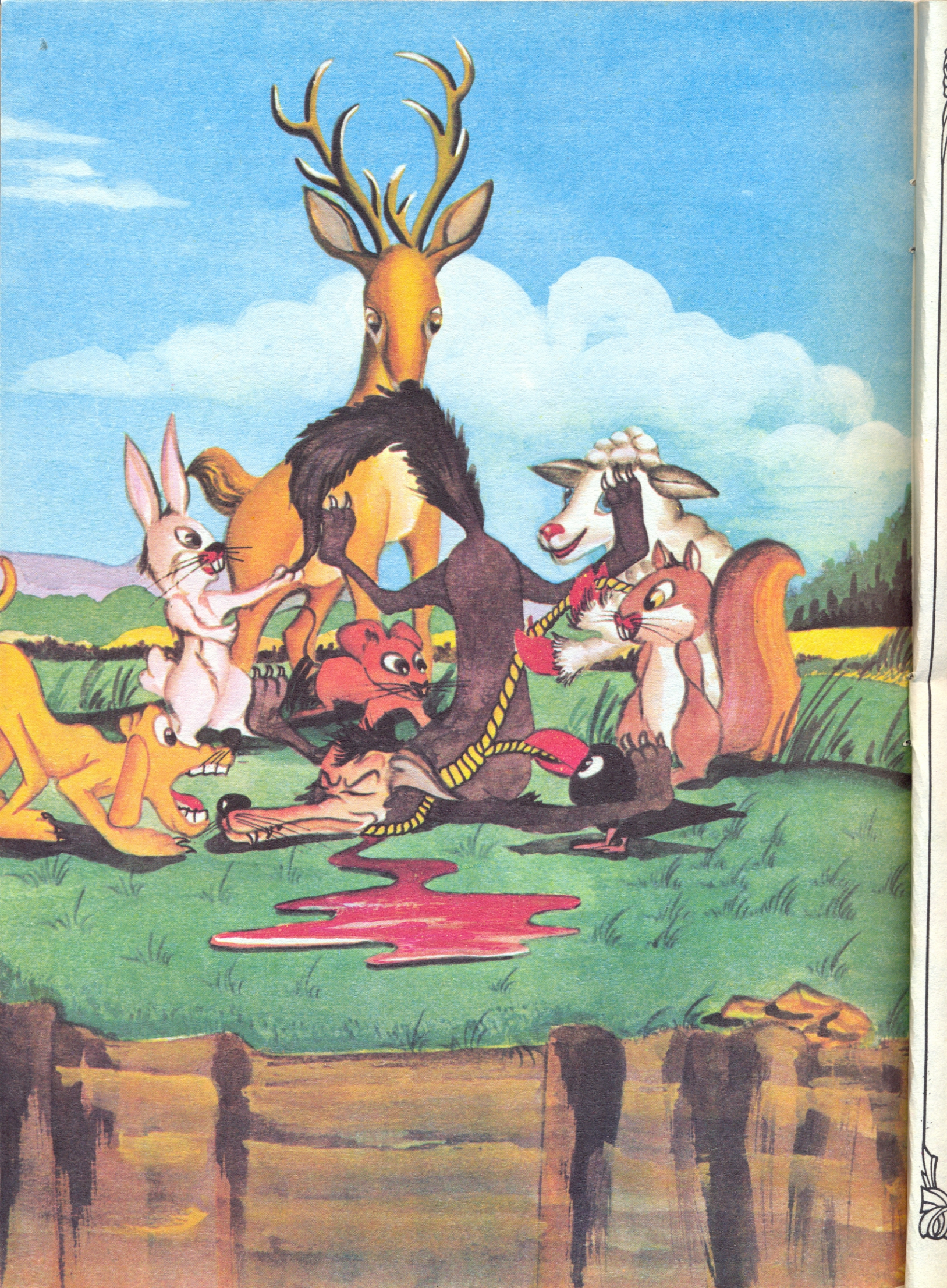
میش: ای گرگ زشتِ نادان
بگو کجاست برّهام؟
گرگ: برّهه را من دیدم
اون را به حيله بردم
میش: خوردُ خمیرت می‌کنم
گرگ کثیف حيله‌گر
داد می‌زد و فریاد می‌کرد
می‌گفت کی می‌آید به پیش
این زور و بازوی مرا
میش: منم منم منم
منم می‌یام به جنگت
آی سنجابه آهای موش
حمله به گرگ بد ادا
تا میشه گفت برید جلو
یکی به چشمش می‌زد
یکی پاشو می‌کشید
خانم میشه سر رسید

تا نشدی سخت نالان
کوچک يك ذره‌ام
حسابشو رسیدم
تو لونه بردم خوردم
لقمه شیرت می‌کنم
باعث ظلم و دردم
دائم لپ‌هاشو باد می‌کرد
تا ببیند با چشم خویش
قدرت نیروی مرا
منم که می‌آیم پیش
بدرم دل سنگت
گوزن و کلاغ خرگوش
به حیوان دزد و گدا
همه ریختند وسط یهو
یکی تو گوشش می‌زد
یکی دمش می‌چید
شکم گرگ را درید



گرگ، شکم‌پاره شده
طناب به گردن شده
نگاه بکن تو بره
بره آزاد شده
همه به هم میگفتن
دست بدست هم دادند
گرگه را ذله کردیم
رفتند به سوی خانه
میش: بچه خوب و هشیار
گوش کن به حرف مادر
باید که قبل از هر کار
فکر تو کار بندازی
چون که هنوز کوچکی
دور نشو تو ز خانه
وقتی که تنها شدی
هزار خطر تو راهه
آخر قصه این بود.

بدبخت و بیچاره شده
راهیه مردن شده
گرگه میره تو دره
مادر دل شاد شده
بازی را باختہ دشمن
دور بره چرخیدند
بعد اونو نفله کردیم
شادی کنان روانه
دل زنده و دل بیدار
که می‌زند در آخر
بدون هیچ انتظار
چه در کارت، چه بازی
بره‌ای و کودکی
از مادر و کاشانه
بدون آشنا شدی
که مثل شب سیاهه
قصه ما همین بود.



انتشارات سپیده منتشر کرده است

- | | |
|--|--|
| <ul style="list-style-type: none"> * رنگ آمیزی و قصه * مدل نقاشی و سرگرمی ۵ شماره * مدل نقاشی - ورزشی * مدل نقاشی - بازیها * رنگ آمیزی با شعر ۵ شماره «فلفلی در آبادی» * آموزش رنگها با شعر * تاتی و کاکلی * دودیدیم و دودیدیم * فصلها و ماهها * برگزیده مشهورترین داستانهای جهان * جنگل های تاریک آمزون * تونل زیر دریائی * سفر به ماه * بیست هزار فرسنگ زیر دریا * ناخدای پانزده ساله * تام سایر * هاگلبری فین * آوای وحش * سپید دندان * الیورتویست * نهنگ سفید * ایوانهو * کشتی شکستگان * مرد نامرئی * شکار شهاب * بینوایان * هایدی * ماهواره ها و ایستگاههای فضایی * جانورشناسی * شناخت دریا * اطلاعات عمومی «سپیده» | <ul style="list-style-type: none"> * مکث * دانستنی های مصور * الفبا را با شعر و رنگ آمیزی بیاموزیم * الفبا و اعداد را با رنگ آمیزی بیاموزیم * اعداد و چهار عمل اصلی را با شعر و رنگ آمیزی بیاموزیم * آموزش طراحی و نقاشی سپیده بینوایان * گرگ و هفت بزغاله * الیورتویست * سفرهای گالیور * سفرهای مارکوپولو * مرغ سرخ و خوشه گندم * بز خاکستری * مرغ سرخ و روباه حقه باز * بچه ها در باغ وحش * بز زنگوله پا * کدوی قل قل زن * آی قصه، قصه، قصه * حاکم نادان و دزد حيله گر * گوهر شب چراغ * قصه گنج گمشده * عاقبت طمع کار * پهلوان جوان * قصه فرمانروا و مرد اسیر * قصه هوس * قصه فرار از سرنوشت * قصه شیاد و مرد شتردار * قصه مرغ سخنگو * زنبور کوچولو غسل درست میکند * زنبور کوچولو و ماجراهای خطرناک * زنبور کوچولو و کرم * شکست باز |
|--|--|

انتشارات پید و منتشر کرده است

کدوی قل قل زن ②



بُز زنگوله پا ①



آی قصه، قصه، قصه ③



۷۰۰ ریال

میدانخ بهار تنخ پائار کشینر پلاک ۸ قفسه ۳۹۸۱۰۲

